

## نقش آموزشی مساجد در اعتلای علمی تمدن اسلامی

خدیجه هاشمی<sup>۱</sup> و سارا هاشمی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۰

### چکیده

مسجد به عنوان اولین نهاد آموزشی در جهان اسلام، همواره نقشی مهم و اساسی در پیشبرد علم و دانش به عهده داشته است. یکی از کارکردهای مهم مساجد در تمدن اسلامی، کارکرد علمی-آموزشی آن است، که هدایتگر و آغازگر بسیاری از جنبش‌های علمی در جامعه اسلامی بوده است. با ورود حضرت رسول صلی الله علیه و آله به مدینه در پی نیاز مسلمانان به یادگیری مبانی دینی، مسجد النبی مأمونی برای آموزش و تعلیم مسلمانان گشت و به تدریج در طول سده‌های بعد، این نقش پر رنگ‌تر گردید. با گسترش مساجد جامع و آموزشی، بسیاری از علوم تخصصی در حوزه‌های مختلف علمی در این نهاد آموزشی محل تدریس قرار گرفت. وجود کرسی‌های دانش‌اندوزی و آزاداندیشی در کنار نگاه بدون تبعیض به علم و متعلمان و توجه ویژه به شیوه‌های علمی تدریس متناسب با ذوق و توانایی دانش پژوهان از شاخصه‌های مهم مورد توجه در این نهاد علمی بود. نویسنده در این مقاله بر آن است تا با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، به بیان خط سیر حرکت علمی مساجد و هم‌چنین چگونگی و کیفیت روش‌های تدریس در آن نهاد علمی پرداخته تا بدان وسیله اندکی از نقش اعتلا بخش نهاد علمی مسجد، در حرکت علمی تمدن اسلامی آشکار گردد.

**کلید واژه‌ها:** مسجد، آموزش، تمدن اسلامی، نهاد علمی.

**استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰):** هاشمی، خدیجه و سارا هاشمی (۱۳۹۷، زمستان). «نقش آموزشی مساجد در اعتلای علمی تمدن اسلامی». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال اول، شماره چهارم. صص ۴۷۹-۴۹۲.

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه شیراز و مدرس دانشگاه. khadije\_hashemi@yahoo.com

<sup>۲</sup>. دانش آموخته رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان و آموزگار

## ۱. مقدمه

فراوانی آیات و روایات در اهمیت علم و برتری جایگاه عالمان، تحصیل دانش را در اسلام، یک ضرورت اجتناب ناپذیر نموده است. آن‌چنان که تاریخ علم در تمدن اسلامی اذعان دارد، علم آموزی از همان ابتدای شکل‌گیری حکومت اسلامی در مدینه و حتی قبل‌تر از آن مورد توجه ویژه حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده است و بر همین اساس، ایشان برای نخستین بار موفق به پی‌ریزی اولین نهاد آموزشی در مدینه گردیدند. گرچه اهتمام اولیه و مفاد آموزشی نهاد علمی مساجد در قرون نخستین هجری، بیش‌تر در حوزه‌ی فراگیری علوم دینی خلاصه می‌گردید، اما این به معنای بی-توجهی به سایر علوم و کلیت‌ناپذیری مفهوم علم در اسلام نبود. در تصدیق این بیان می‌توان متون دینی را شاهدی بر تفسیر معنای کلیت بخش علم در اسلام در نظر گرفت. چنان‌چه در چارچوب جهان بینی وحدانی آیین اسلام، هدف نهایی همه‌ی علوم، رسیدن به جنبه‌های متافیزیکی اشیاء و جهان است بدین روی معنای علم در این آیین به مفهوم عام کلمه همواره مورد توجه بوده و هست. در نتیجه‌ی همین پیشینه‌ی شناختی از معنای علم در دین اسلام است که علمای مسلمان در دوران درخشان تمدن اسلامی یک نگرش کل نگرانه و وحدت گونه به شاخه‌های مختلف علوم پیدا نمودند و از دیدگاه آن‌ها رشته‌های مختلف دانش ادامه‌ی مطالعات دینی به حساب می‌آمد.

در راستای چنین تعریفی از مفهوم علم است، که بسیاری مساجد با هدف ایفای نقش آموزشی و تعلیم علوم دینی و غیر دینی در سده‌های نخستین هجری پا به عرصه‌ی وجود نهاد. این مساجد که در کنار ایفای نقش عبودیتی، به مسأله‌ی آموزش به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه‌ی تمدن‌سازی توجه ویژه داشتند تا سده چهارم هجری و شکل‌گیری سایر نهادهای علمی، هم‌چنان طلایه‌دار جریان آموزشی در جهان اسلام به حساب می‌آمدند. بدین روی است که از مساجد به‌عنوان عالی‌ترین تجلی‌گاه کسب علوم و فضایل که جایگاه مهمی در رشد و تکوین فرهنگ و تمدن اسلامی داشته، یاد شده است و شایسته است توجه بیش‌تری در جهت شناسایی زوایای پنهان علمی این نهاد تمدن‌ساز صورت گیرد.

پیرامون پیشینه تحقیقی این موضوع باید اشاره کرد که نویسنده با مرور پژوهش‌های جدید پیرامون نقش علمی- آموزشی مساجد، صرفاً به تعدادی مقاله اندک دست یافت که از لحاظ علمی و جامع بودن چندان قوی نبودند. برخی کتب نیز به فحوای موضوع آموزشی و یا توجه به نهاد مساجد، محل توجه قرار گرفته‌اند که اکثراً مربوط به دهه‌های گذشته بوده و از نوآوری‌های زمان حال به دور هستند. از جمله آن کتب می‌توان به کتاب «تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی» از عبدالرحیم غنیمه اشاره نمود که در آن پس از معرفی نهادهای علمی در تمدن اسلامی، به فلسفه تعلیم و تربیت و روش‌ها و مواد درسی مورد توجه در مکان‌های آموزشی اشاره نموده است. علاوه بر آن، «تاریخ آموزش در اسلام از ابتدا تا فروپاشی ایوبیان در مصر» از احمد شلبی نیز منبعی مهم در تاریخ آموزش در تمدن اسلامی محسوب می‌گردد که از معدود آثار جامع در حوزه‌ی چگونگی آموزش در

اسلام است. و همین طور بخش‌هایی از کتاب « نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی » محمد مکی السباعی، به صورت پراکنده به نقش آموزشی و علمی مساجد پرداخته است.

## ۲. جایگاه علم و آموزش در اسلام

جایگاه والای علم در اسلام نشان از توجه ویژه تعالیم این آیین به دانش به‌عنوان شاخصه‌ای تمدن‌ساز است، به‌گونه‌ای که اولین آیات نازل شده بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله خود رساننده این جایگاه و مرتبه است « اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ » (علق: ۱) آیات و روایات فراوانی دال بر بلندی پایگاه دانش و برتری مقام دانشمندان و خرد و معرفت نقل شده‌اند که قابل قیاس با آموزه‌های سایر ادیان و مکاتب دیگر در اعتبار بخشیدن به علم نیست. از آن جمله می‌توان به آیات زیر اشاره نمود:

« يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ » (مجادله: ۱۱) در این آیه خداوند علما را هم‌تراز با مؤمنان، در یک جایگاه قرار داده و بر بلندی منزلت آنان تأکید کرده است. در جایی دیگر به قیاس دانایان و نادانان اشاره نموده و این که آیا آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند با هم برابرند؛ « هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ » (زمر: ۹) و همین گونه است آیاتی که تشویق به کاوش در طبیعت می‌کنند و انسان‌ها را از برخورد سطحی با آیات الهی در طبیعت بر حذر می‌دارند، که خود القا کننده‌ی پیام جامعیت علم اسلامی و توجه به علوم از جمله علوم تجربی است که با حواس و طبیعت سر و کار دارد؛ « أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ » (غاشیه: ۱۷-۲۰) یا آیه ۱۰۱ سوره یونس که دعوت به تفکر و تعمق در آسمان‌ها و زمین برای پی بردن به رازهای آن می‌کند.

علاوه بر آیات فراوان قرآن در تشویق و اهمیت دادن به علم و عالمان، روایات فراوانی نیز از معصومین علیهم السلام به‌جای مانده است که از اولین و مهم‌ترین موتورهای محرکه حرکت علمی تمدن اسلامی به شمار می‌آیند. روایاتی که جایگاه علم و عالمان را تا بالاترین درجه و هم‌شأن با انبیا و حتی بالاتر از شهیدان توصیف می‌کند « الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ » (غزالی، ۱۳۰۶: ج ۱، ۵)، « يُوزَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ بِدَمِ الشَّهَدَاءِ » (قلقشندی، ۱۹۱۳: ج ۲، ۴۶۱). یا آن‌جا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله کسب علم را از هر ذی علمی سفارش می‌کنند؛ « أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ » (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۰). با همین مضمون روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده است که علم را گمشده هر مؤمن معرفی می‌کند که باید آن را جذب کند حتی از مشرکان؛ « الْعِلْمُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَخُذُوهُ وَلَوْ مِنْ أَيْدِي الْمُشْرِكِينَ » (عبدالبر القرطبی، ۱۲۲: ۱۴۱۵).

این‌گونه معارف اسلامی در عین نهی از وابستگی به غیر مسلمانان، در مورد فراگیری علم چنین مرزی را قائل نمی‌شوند و گرفتن علم از هر منبع علمی را توصیه می‌نمایند. به همین دلیل

است که در قرون اولیه هجری، تنها علمای مسلمان نبودند که مورد تجلیل قرار می‌گرفتند، بلکه علمای غیر مسلمان نیز مورد احترام و تجلیل بودند (گلشنی، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

در اهمیت جایگاه علم در نزد مسلمانان و توجه آنان به این مسأله، می‌توان به مصادیق فراوانی در تاریخ تمدن اسلامی اشاره نمود که گویای این مسأله است. از آن جمله است که گویند در سده‌های نخستین، مسلمانان سراپا شیفته گردآوری احادیث حضرت رسول صلی الله علیه و آله بودند و تنها راه شرعی آن را، شنیدن از صحابه‌ای می‌دانستند که آن حدیث را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده باشد؛ از این رو شروع به مسافرت‌های علمی نمودند و یافتن معلم مناسب دغدغه دانش‌دوستان مسلمان گردید. ابن خلدون در مقدمه‌اش، به این مهم اشاره کرده و مسافرت کردن برای دانش‌اندوزی و دیدار دانشمندان برجسته را برای دانش پژوهان برنامه‌ای لازم و ضروری ذکر می‌کند و می‌نویسد:

«بی‌گمان هیچ اندیشمند و فرزانه‌ای نیست که چندین رشته از دانش را بتواند فراگیرد یا حتی همگی مسائل یک علم را بداند. پس برای برداشتن دانش ژرف و گسترده، یک دانشجو باید از سفر کردن و دیدار هر چه بیش‌تر دانشمندان بنام سود گیرد» (گلشنی، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

در روایتی پیرامون اهمیت یافتن استاد دلخواه، از فرزند خطیب تبریزی یاد شده است که با مشقت فراوان خود را به استادی که در جستجوی آن بود رسانید:

«فرزند خطیب تبریزی نمی‌توانست ابزار سواری بخرد یا حتی کرایه کند تا از تبریز به معره رود و کتاب التهذیب ابومنصور ازهری را که واژه نام‌های تازی بود، پیش ابوالعلائی معری بازبینی کند. با همه‌ی این ناتوانی مالی او را دل‌سرد نکرد، او کتاب چند جلدی یاد شده را در کوله باری گذاشت و بر پشت آویخت و به راه افتاد. کوله بار چنان سنگین بود که چون به معره رسید کتاب‌ها از عرق مچاله شده بودند» (شلیبی، ۱۳۸۷: ۲۸۶).

بدین جهت یافتن استاد خوب برای بسیاری از دانشجویان از اهمیت زیادی برخوردار بود به طوری که اگر زمانی معلم یا استاد فوت می‌کرد یا مطلب تازه‌ای برای تعلیم نداشت، دانشجو بار سفر را برای رفتن به نزد استاد دیگر می‌بست. بدین سان توجه به علم و علم‌آموزی در نزد مسلمانان خود شالوده‌ی شکل‌گیری تمدنی مبتنی بر علم گردید.

### ۳. سیر تکوین و گسترش مساجد آموزشی در اسلام

آموزش اسلامی با دعوت حضرت رسول صلی الله علیه و آله، نخستین مربی و معلم مسلمانان و از مسجد به‌عنوان اولین نهاد علمی - آموزشی در اسلام آغاز گردید. مسجدالنبی که هم‌زمان با هجرت حضرت رسول صلی الله علیه و آله به مدینه بنیاد گردید، در واقع کهن‌ترین دانشگاه اسلامی و پایگاه اساسی‌ترین تعلیمات در تاریخ آموزش اسلامی است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله علاوه بر جلسات سخنرانی، همواره کلاس‌های آموزشی در اوقات مختلف در مسجد تشکیل می‌دادند. با گذشت زمان

و تکوین نخستین حکومت اسلامی در شهر مدینه، آن حضرت ساختار جدیدی از علم آموزی را طرح‌ریزی نمودند و شکل آموزش نیز چون سایر بخش‌های اجتماعی نظام‌مند گردید. نیاز بخش‌های مختلف جامعه‌ی نوپنیا اسلامی در مدینه به اقتصاد و موضوعات زیر مجموعه‌ی آن چون داد و ستد، تجارت، ارث، غنایم و یا برگزاری مناسبات اجتماعی و سیاسی از جمله تدوین و تنظیم قراردادهای میان مسلمانان و اهل ذمه و... پیامبر صلی الله علیه و آله را بر آن داشت تا پیش از پیش به رفع مشکل بی‌سوادی بپردازند و بر پایه‌ی همین نیاز همگانی، اولین کلاس‌های درس در مسجد شکل گرفت (جان احمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۶ و ۱۲۷).

پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله اصحاب در قیام به امر تعلیم مسلمانان از آن حضرت پیروی نمودند. در بین اصحاب وفادار پیامبر صلی الله علیه و آله گروهی با انگیزه‌های علمی و گرایش به مسایل تعلیماتی پدیدار گشت. این دسته از یاران رسول صلی الله علیه و آله در مسجدالنبی در مدینه می‌نشستند و مردم را در امور دینی ارشاد می‌نمودند (غنیمه، ۱۳۸۸: ۵۳). هم‌زمان با روی کار آمدن ابوبکر و در پیش گرفتن سیاست منع کتابت حدیث، روند آموزش نیز با کندی مواجه شد و بدین سان بخش فعالی از جامعه منزوی گشت و به تبع آن گفتمان عقلی و استدلالی جای خود را به تأکید بر ابعاد تعدی قرآن و عدم پرداختن به تفسیر آیات داد (جان احمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۸ و ۱۲۹). این سیاست هم‌چنان در زمان خلیفه‌ی دوم ادامه یافت اما به دلیل وسعت فتوحات در این دوره و نیاز به تدوین دیوان اقتصادی و بیت المال، نیاز به کارمندان باسواد بیشتر احساس گردید و از سویی آموزش همگانی در کنار تعلیم میانی دینی فزونی یافت. در مساجد شهرهای نو بنیاد چون کوفه، بصره، حیره و مداین، آموزش زبان عربی و تعلیم نوآموزان آغاز گردید و بسیاری از صحابه به‌جای شرکت در جهاد به تعلیم نوآموزان می‌پرداختند.

در زمان خلافت امام علی علیه السلام با انتقال مرکز خلافت از مدینه به کوفه، این شهر و مسجد آن پایگاه نشر شریعت و افاضات آموزنده‌ای شد که به وسیله‌ی آن حضرت طی خطبه‌هایی فصیح ایراد می‌شد. به‌طور کلی در عهد خلفای راشدین و پس از آن در دوره امویان، مساجد بزرگ که عنوان جامع داشت در مراکز بلاد اسلامی ساخته شد در این مساجد علاوه بر مسایل دینی و سیاسی، مسایل علمی نیز مطرح می‌شد و همین موجب گردیده تا از آن‌ها به‌عنوان دانشگاه‌های عمومی یاد شود (غنیمه، ۱۳۸۸: ۵۰).

منابع تاریخی از برپایی حلقه‌های درس فعال در مساجد یاد کرده‌اند که در کنار آموزش قرآن و حدیث و فقه، شعر و ادبیات نیز رواج داشت. استادان و دانش‌پژوهان هر روزه در این مساجد گرد می‌آمدند و حلقه مورد علاقه خود را دنبال می‌کردند. گاه نیز در روزهای خاصی از ماه در مساجد، انجمن علمی به‌صورت ویژه برگزار می‌شد و پژوهشگران از استادان صاحب نام بهره می‌بردند. حکومت مستقیماً استادان این مراکز را زیر نظر داشت و گاه به آن‌ها مقرری و یا امکانات رفاهی می‌داد (حر، ۱۳۹۴: ۴۰).

با تشکیل خلافت عباسی در سال ۱۳۲ هجری تحولی شگرف در زندگی علمی و اجتماعی مسلمانان رخ داد. اهتمام خلفای عباسی به تأسیس مساجد جامع، مکاتب و مدارس طراز اول روز به روز بر رونق علمی جامعه‌ی اسلامی افزود به گونه‌ای که یکی از نمادهای ویژه‌ی شهرهای برجسته‌ی دوران عباسی، شمار فراوان مساجد آن محسوب می‌گردد. گفته شده است تا اواخر قرن سوم در بغداد دو مسجد جامع بود؛ یکی مسجد جامع منصور، که هم‌زمان با بنای شهر بغداد در سال ۱۴۶ هجری تأسیس شده بود و در خلال حیات علمی خود همواره از منزلت و عظمت شایسته‌ی برخوردار بود و دیگری مسجد جامع خلفا، که بر اثر کثرت جمعیت نمازگزاران و تنگی جا، توجهات را به سمت ساخت مساجد جامع دیگری در بغداد جلب نمود. چنانچه تعداد مساجد بغداد در سال ۵۸۰ هجری، زمانی که ابن جبیر از آن شهر دیدن کرده، یازده مسجد جامع بوده است (محرمی، ۱۳۷۹: ۲۸).

بدین سبب است که دوره‌ی زمانی آغاز سده دوم هجری تا پایان سده سوم هجری را از درخشان‌ترین دوره‌های تعلیمات مسجدی دانسته‌اند. دستاوردهای مسلمانان در مسائل مختلف علمی و ترقیات فکری در این دوره از تاریخ تمدن اسلامی موجب شکوفایی علمی در مساجد شده بود. در این عصر هم‌چنان دو تن از ائمه شیعه، امام باقر و امام صادق علیهما السلام به‌طور جد در رشد حیات علمی و فرهنگی مساجد بیش از سایر مکاتب کلامی و فقهی ایفای نقش نمودند. نجاشی ذیل همین مبحث آورده است که در مسجد النبی حدود نهصد شیخ را درک کردم که هر یک می‌گفت: «حدثنی جعفر بن محمد» (همان، ۸).

با افزایش شمار دانش پژوهان و به‌دنبال آن، افزایش حلقات درس و شلوغی گریزناپذیر برخاسته از این جمع‌های علمی، برگزاری مناسک عبادی در مساجد با مشکل روبرو گردید و در چنین حالتی بود که به‌تدریج در اوایل سده پنجم هجری، فضای بحث و درس از مساجد به مدارس انتقال یافت اما با این حال، برخی از مساجد بزرگ اسلامی هم‌چنان جو علمی خود را محفوظ داشته به‌طوری که مسجد الازهر مصر که از مهم‌ترین دانشگاه‌های اسلامی در تمدن اسلامی محسوب می‌گردید، تا سده‌های بعد محلی برای برگزاری حلقات علمی بود و به‌تدریج جنبه علمی آن غلبه یافت و به‌جز نماز جمعه دیگر مناسک عبادی در آن به تعطیلی کشید و به تدریس اختصاص یافت (شلیبی، ۱۳۸۷: ۱۲۴ و ۱۲۳).

#### ۴. نمونه مساجد آموزشی در تمدن اسلامی

##### ۱-۴. مسجد النبی در مدینه

همان‌گونه که در مباحث قبلی اشاره گردید، اولین نهاد آموزشی در تاریخ اسلام، مسجد النبی بوده است که در سال ورود حضرت رسول صلی الله علیه و آله به مدینه بنا گردید این بنا که در آغاز بسیار

ساده و بی‌پیرایه بود، محلی شد برای اقامه‌ی نماز به امامت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و تعلیم و تعلم احکام دین و آیات قرآن توسط آن حضرت و برخی از اصحاب ایشان. به گونه‌ای که آن حضرت پس از خطبه‌های نماز جمعه و سخنرانی‌های عمومی و پس از نمازهای جماعت روزانه در اوقات مختلف در مسجد می‌نشستند و اصحاب به دور ایشان حلقه زده و از ایشان علم می‌آموختند. ابورفاعة نقل می‌کند نخستین بار در مسجد خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسیدم و عرض کردم یا رسول الله صلی الله علیه و آله مردی غریب هستم که چیزی از مسایل دین نمی‌دانم، آن حضرت که در حال خواندن خطبه بودند از منبر پایین آمده و بر چهارپایه‌ای نشستند و هر چه می‌خواستم به من آموختند (محرمی، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

البته مدرس کلاس‌هایی که در مسجد النبی برگزار می‌شد صرفاً حضرت رسول صلی الله علیه و آله نبودند؛ بلکه گاهی امام علی علیه السلام به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله به منبر می‌رفتند و برای مردم سخنرانی می‌نمودند و همین‌طور گروه‌های مختلف در گوشه و کنار مسجد کلاس‌های آموزشی برگزار می‌کردند (کوخائی زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۴ و ۱۱۳). به‌طور مثال از ابوزنیت یاد شده است که از مسجد مدینه خارج می‌شد و شاگردان وی به مانند قراولانی که اطراف سلطان خود گرد آمده باشند، او را احاطه کرده و یکی درباره مذهب و دیگری درباره ریاضی و شعر و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و مسائل دیگر سؤال می‌کردند (مکی السباعی، ۱۳۷۳: ۷۶). بدین سان است که از مسجد النبی به‌عنوان اولین آموزشگاه و نهاد آموزشی در اسلام یاد شده است. که برای تعلیم مسایل مورد نیاز مسلمانان چه در حوزه‌های دینی و چه در حوزه‌های سیاسی، تاریخی، نظامی، قضایی و ... محل استفاده بود. البته در کنار آن، مساجد دیگری نیز در مدینه به کار تعلیم و آموزش مشغول بودند که برخی تعداد آن را نه عدد ذکر کرده‌اند. غزالی پیرامون نقش علمی مسجد قبا آورده است:

« مکحول می‌گوید ده تن از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند که ما در مسجد قبا سرگرم فراگیری دانش بودیم که ناگهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آن‌جا حضور یافت و فرمود: آن چه می‌خواهید بیاموزید و خدای شما را پاداش ندهد مگر آن که به کار نیندید آن چه را فراگیرید» (غنیمه، ۱۳۸۸: ۶۲).

#### ۴-۲. مسجد جامع کوفه

مسجد جامع کوفه در سال ۱۷ هـ. بنا نهاده شد. البته در روایات اسلامی قدمت این مسجد به روزگاران قبل از اسلام و روزگاران سلف باز می‌گردد. ورود علی بن ابی طالب علیه السلام به کوفه و انتخاب این محل به‌عنوان مرکز حکومت اسلامی از سوی آن حضرت در شکوفایی علمی این مسجد تأثیری چشم‌گیر داشت. خطبه‌ها و آموزه‌های اخلاقی، آموزشی و تربیتی حضرت امیر علیه السلام و شاگردان ایشان روز به روز بر رونق علمی مسجد کوفه می‌افزود. این مسجد در آغاز حکومت

عباسی از مراکز مهم حل و عقد علوم و معارف اسلامی گردید و میان آن و جامع بصره رقابتی علمی برقرار بود. علامه زکی پاشا، دو دانشگاه بزرگ بصره و کوفه را از نظر روابط علمی و ادبی و رقابت-های فی مابین به دو دانشگاه بزرگ انگلیس، یعنی اکسفورد و کمبریج تشبیه کرده است (غنیمه، ۱۳۸۸: ۶۵).

#### ۳-۴. مسجد جامع دمشق

برای ساخت این مسجد ولید بن عبدالملک در آمد هفت ساله کشور را پرداخت نمود و کار ساخت آن نیز هشت سال به طول انجامید. این مسجد از کانون‌های مهم آموزشی در تمدن اسلامی محسوب می‌گردد. ابن جبیر در گزارشی از حلقه‌های فراوان درس در این مسجد یاد می‌کند که استادانش حقوق و جیره کافی دریافت می‌کردند و دانشجویان مالکی مذهب در زاویه باختری مسجد می‌نشستند و از استادان بنام مالکی درس فرا می‌گرفتند و حلقه‌ی درسی که استادش به یک ستون معینی تکیه می‌زد اوقاف سرشاری داشت ( ابن جبیر، ۱۹۰۷: ۲۷۲). همین طور ابن بطوطه سیاح معروف در سده هشتم هجری، حیات فعالیت‌های علمی مسجد جامع دمشق را این‌گونه توصیف نموده است:

«مجالس و حلقه‌های درس در فنون مختلف علمی در این مسجد دایر است. رجال حدیث بر کرسی‌های افزاشته روایت حدیث می‌کنند ... گروهی از معلمان قرآن هم که بر ستون‌های استوانه‌ای شکل مسجد تکیه دارند به نوآموزان خواندن کتاب خدا را می‌آموزند ... معلم خط وظیفه دیگری بر عهده دارد، او نوشتن اشعار و عبارات مناسب را به دانش آموزان تعلیم می‌دهد. تعلیم خط چنان اهمیتی دارد که از وجود معلم متخصص در این فن استفاده می‌شود از جمله استادان مشهور این مسجد بزرگ، صالح برهان الدین بن فرکاح شافعی و نورالدین ابوالیسر بن صافع باشند که هر دو در دانش و درستی شهرت دارند» ( ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ج ۱ / ۵۶).

#### ۴-۴. مسجد جامع فسطاط (جامع عمرو)

این مسجد در سال ۲۱ هجری توسط عمرو بن عاص تأسیس شد و از همان سال‌های ابتدایی تأسیس در امور آموزشی مورد استفاده قرار گرفت. در این مسجد حلقه‌های مختل درس در محل-های خاص که از آن باعنوان «زاویه» نام برده می‌شد، به تدریج شکل گرفت مانند زاویه صاحبیه که به وسیله صاحب فخرالدین و یا زاویه تاجیه که به وسیله سطحی بنیاد گردید. این مسجد در دوران حکومت‌های طولونی، اخشیدی و فاطمی در مصر مورد توجه و اهتمام قرار داشت. علی مبارک در کتاب الخلط التوفیقیه، از چهل حلقه درسی و آموزشی در مسجد جامع فسطاط یاد کرده است (احمدی طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۴).



#### ۴-۵. جامع الأزهر

جامع الأزهر به گفته مقریزی در سال ۳۵۹ ه. توسط جوهر سیسیلی از موالی المعز فاطمی (۳۴۱-۳۶۵ ه.ق) بنیاد نهاده شد و در سال ۳۶۱ ه. آغاز به فعالیت نمود. الأزهر بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مؤسسه آموزشی مذهبی پیش از نظامیه بغداد بود. این مرکز آموزشی در زمان خلیفه العزیز فاطمی (۳۶۵-۳۸۶ ه.ق) به صورت یک دانشگاه واقعی در آمد و در سال ۳۷۸ هجری به فرمان همین خلیفه، برنامه آموزشی جامعی برای این جامع تدوین گردید و استفاده از آن تنها موقوف به تعلیم گردید. جامع الأزهر در طول تاریخ دستخوش دگرگونی‌ها و تحولات فراوانی گردید ولی با این وجود تا دوره معاصر به حیات خود ادامه داده است و یکی از برترین نهادهای آموزشی در جهان اسلام است.

مقریزی در ذکر وقایع سال ۸۱۰ هجری پیرامون جامع الأزهر آورده است که این جامع از آغاز تأسیس همواره اقامتگاه شماری از بینوایان بود و هر گروهی رواقی مخصوص به خود داشت که در آن مشغول به تلاوت و تدریس قرآن و انواع علوم مختلف دینی و غیر دینی بود. جامع تا سده دهم هجری و فتح مصر به دست عثمانی‌ها، همچنان در ادای وظیفه علمی خود موفق و پیشرو بود اما زمانی عثمانی‌ها بر مصر مسلط گشتند، استقلال این کشور دچار خدشه گردید و کلیه مظاهر تمدن اسلامی از بین رفت و بسیاری رجال علمی مصر مجبور به ترک بلد شدند و از این جاست که برنامه‌های علمی الأزهر دچار تزلزل شد و علوم ریاضی، پزشکی، فلسفه و دیگر علوم عقلی از برنامه تحصیلی آن حذف گردید و رکودی مستمر بر حیات علمی آن مرکز سایه افکند (شلیبی، ۱۳۸۷: ۷۶-۷۹).

#### ۴-۶. مساجد آموزشی ایران

در کتب تاریخی و رجالی، از برخی مساجد در برخی نقاط ایران یاد شده است که نقش آموزشی داشته و محلی برای تعلیم و تربیت بوده‌اند. گویند در سده اوّل هجری در سیستان یکی از فرمانداران عرب بنام عبدالرحمان سمره، مسجد آدینه‌ای ساخت که بعدها حسن بصری عالم معروف، از مدرسان آن گردید. همچنین ابن فقیه در سیستان، بلخ و هرات مساجد زیادی را نام می‌برد که در آن‌ها فقها برای تدریس حاضر می‌شدند. در نیشابور نیز که یکی از مهم‌ترین نهادهای علمی ایران در سده‌های اولیه هجری است، دو مسجد آموزشی به نام‌های «جامع منیعی» و «مسجد مطرزی»، نام برده شده که محلی برای تعلیم مسائل دینی بودند. یزد و کرمان هم جزء شهرهایی هستند که به داشتن مساجد آموزشی شهره‌اند؛ در بردسیر کرمان از مسجدی به نام «جامع تورانشاهی» یاد شده که کتابخانه‌ای بزرگ بالغ بر پنج هزار کتاب داشته است. در یزد نیز علاءالدوله کالنجار، از امرای دوره سلجوقی، مسجدی بنا نموده بود به نام «جامع قدیم» که تا سده نهم هجری مورد استفاده

اهل فضل و طلاب علوم قدیمه بوده است. مسجد جامع عتیق شیراز از دیگر مساجد آموزشی ایران بوده که در منابع به آن اشاره شده است. در این مسجد بنا به روال مساجد آموزشی دیگر، حلقات دروس دینی تشکیل می‌شده و این سنت دینی آن چنان که ابن بطوطه ذکر می‌کند، تا سده هشتم هجری ادامه داشته است و خود ابن بطوطه نیز از جمله شرکت کنندگان در این حلقه‌های درسی بوده است (بی نا، ۱۳۸۷: ۲۵).

## ۵. ساختار و چگونگی سیستم آموزشی در مساجد

دانش‌آموزان مسلمان اصولاً آموزش در مرحله دبستان را در مکتب خانه‌ها فرا می‌گرفتند و سپس برای طی نمودن تحصیلات متوسطه به مساجدی که جلسه‌های درس مختص به آن سطح برگزار می‌شد، می‌رفتند. اگر دانش‌آموز به آن اندازه از آمادگی می‌رسید که پای درس‌های بالاتر که در همان مسجد یا مساجد دیگر برگزار می‌شد بنشیند، می‌توانست آموزش عالی خود را پی بگیرد. مساجدی مانند الازهر به‌خصوص در دوره فاطمیان به آموزش عالی اختصاص داشتند (شلیبی، ۱۳۸۷: ۳۳۱ و ۳۳۲).

سیستم آموزشی اجرایی در مساجد، بسیار ساده بود و هسته‌ی مرکزی آموزش را حلقه‌ها و دایره‌های درسی شکل می‌داد که در اسلام از آن‌ها به‌عنوان «حلقه‌العلم» یا دایره آموزشی یاد می‌شود. حضرت رسول صلی الله علیه و آله نخستین کسی است که این حلقه‌ها را دایر نمودند. در این شیوه معلم بر روی پایه، بالش یا صندلی نشسته و بر دیوار یا ستونی تکیه می‌داد از طرف دیگر دانش‌آموزان در ردیف‌هایی به‌شکل نیم دایره در جلو استاد قرار می‌گرفتند. مقریزی در سده هشتم هجری به بیش از چهل حلقه‌ی آموزشی در مسجد عمرو در مصر اشاره کرده است و همین‌طور مسجد منصور در بغداد که یکی از بزرگ‌ترین مراکز آموزشی در سده‌های میانه است، بین چهل تا پنجاه حلقه علمی در آن دایره می‌شده است. حلقه‌های علمی نیز عموماً در حیاط مساجد تشکیل می‌شدند و در نزدیکی هر حلقه ستونی بود که معلم نشسته یا ایستاده بر آن تکیه می‌داد (مکی السباعی، ۱۳۷۳: ۷۷ و ۷۶). عموماً در مساجد به روی همگان باز بود و هر کسی می‌توانست به هر حلقه‌ی درسی که می‌پسندید وارد گردد. بدین‌گونه برجسته‌ترین استادان، حلقه‌ی درسی بزرگ‌تری داشتند و استادانی که از توانایی علمی و شهرت کم‌تری برخوردار بودند، حلقه‌های درس کوچک‌تر. گفته شده که در قرن چهارم هجری محمد نعالی در یکی از مساجد مصر، حلقه درسی داشت که بزرگی آن حلقه، فضای گرداگرد هفده ستون را پر می‌ساخت (شلیبی، ۱۳۸۷: ۲۷۲).

نکته‌ی قابل توجه پیرامون چگونگی شیوه‌ی تدریس در مساجد، اصل یکسان‌بینی، برابری و تحصیل رایگان بود. هر مسلمانی می‌توانست رایگان به حلقه‌های درس در مساجد بپیوندد حتی برخی اوقات مسؤله از این نیز فراتر می‌رفت و استادان علاوه بر آموزش رایگان، کمک هزینه‌ای نیز

به برخی شاگردان خود می‌دادند. چنانچه آمده است ابویوسف پسر بجه‌ای رنگرز بود که بعدها هم- نشین خلیفه هارون الرشید و رئیس قاضیان حکومت اسلامی شد. وی پیشرفتش را مرهون استادش، ابوحنیفه بود که علاوه بر پرورش معنوی و علمی وی، از لحاظ مادی نیز او را حمایت کرده بود (همان، ۲۶۴). البته این شیوه تحصیل رایگان در مساجد عمومیت نداشت. در مساجد سرزمین‌های غربی قلمرو اسلامی چون اندلس، دانشجویان با مشکلات تأمین هزینه زندگی و تحصیل روبرو بودند که این در وهله اول به علت عدم گسترش فرهنگ وقف و همچنین عدم رشد مکان‌های آموزشی در تمدن اسلامی بوده است. چنانچه ابو سعید مغربی در وصف اوضاع دانشجویان اندلسی می‌گوید:

«مردم اندلس مدرسی نداشتند که ایشان را در کسب دانش کمک کند پس همه‌ی دانش‌ها را با پرداخت مزد در مساجد می‌خواندند. بنابراین دانشجویان اندلسی برای این‌که چیزی یاد گیرند تحصیل دانش می‌کردند نه برای دریافت کمک هزینه تحصیلی.»

این روند بعدها در قرون سوم و چهارم هجری با شکل‌گیری مدارس خصوصی و دولتی و قرار دادن وقفیات فراوان برای آن‌ها و فراهم آمدن امکانات رفاهی در اطراف مدارس، تغییر یافت و از آن پس دانشجویان و طالبان علم اصولاً رایگان و حتی با دریافت کمک هزینه به تحصیل خود ادامه می‌دادند.

اصل برابر انگاری و بی‌طرفی در تدریس و جذب دانشجویان نیز از ویژگی‌های مورد توجه در سیستم و نهادهای آموزشی اسلامی بود چنانچه حلقه‌های درس استادان بی‌طرفانه بر پا می‌گشت و تمام گروه‌ها و اقلیت‌ها با هر منصب و طبقه اجتماعی به‌طور یکسان و برابر، در کنار هم علم‌آموزی می‌کردند به‌گونه‌ای که فرماندهان و سرشناسان سوار بر اسب به حلقه بزرگ درس محمد بن احمد کیسان (م. ۲۲۹هـ) می‌رفتند این دانشجویان سرشناس در کنار و زانو به زانوی دانش‌پژوهان نادر می‌نشستند و این کیسان به آن‌ها تدریس می‌نمود (همان، ۲۶۴).

مجالس درس در مساجد اصولاً بعد از نماز صبح آغاز می‌شد و تا نماز ظهر ادامه می‌یافت و اگر معلم متصدی مجلس درس بود، قبل از نماز صبح و پس از نماز ظهر نیز جلسات تشکیل می‌گردید. زمان درس از یک تا دو ساعت طول می‌کشید و در روزهای تعطیل مذهبی تشکیل نمی‌شدند (مکی السیاعی، ۱۳۷۳: ۷۸). استاد، درس خود را با «بسم الله و الحمد لله» و سلام و درود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آغاز می‌نمود و پس از آن به تفریر درس می‌پرداخت. اگر موضوع درس در باب یکی از علوم حدیث بود، این گفتار با تلاوت آیه‌ای از قرآن آغاز می‌شد، آن‌گاه استاد به اندازه اندوخته‌ی علمی خود به املاء حدیث می‌پرداخت و هنگام املاء از دستپاچی که «مملی» نام داشت کمک می‌گرفت تا در پشت سرش، گفته وی را برای شاگردانش تکرار کند، تا درس خالی از شائبه تحریف و خطا به گوش شنوندگان برسد. استاد در پایان درس نیز سوره فاتحه را به‌عنوان خاتمه کلاس می‌خواند و جای درس آینده را برای دانشجویان خود تعیین می‌نمود.

محتوای علمی که در مساجد تدریس می‌شد باید ابتدا به مساجد مدینه که به واسطه وجود اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و تابعین ایشان در روایت حدیث نبوی ممتاز گردیده و یک فضای مناسب علمی برای تفوق حدیث نبوی در شهر مدینه را فراهم آورده بود، اشاره نمود و این در حالی بود که این شهر در زمینه علوم لغوی منزلت قابل ذکری نداشت (غنیمه، ۱۳۸۸: ۲۱۶). بعدها با توسعه‌ی تمدن اسلامی و ارتباط آن با فرهنگ‌های سرزمین‌های مفتوحه، موضوعات جدید علمی راه خود را به حوزه‌های درسی مساجد باز نمودند و بدین ترتیب در اواخر سده چهارم هجری به‌طور مثال در جامع الازهر علاوه بر تدریس علوم دینی، کلاس‌های فلسفه و نجوم نیز برگزار می‌گردید (مکی السباعی، ۱۳۷۳: ۵).

از دیگر علومی که در مساجد محل تدریس بود، طب نظری است که دکتر عیسی بک در تاریخ بیمارستان‌ها در ذیل شرح حال عمر بن منصور بهادری آورده است که وی در جامع طولونی حوزه تدریس طب داشت (عیسی بک، ۱۳۷۱: ۱۶۷). در همین راستا عبداللطیف بغدادی به زمان اقامتش در مصر در اواخر سال ۵۸۲ هجری اشاره می‌کند که در خلال اقامت در آن دیار از آغاز روز تا هنگام ظهر در جامع الازهر به تدریس طب و علوم دیگر اشتغال داشته است (غنیمه، ۱۳۸۸: ۱۷۶).

در مساجد تمدن اسلامی عموماً مواد درسی پیش‌تری نسبت به مدرسه ارائه می‌گردید به گونه‌ای که علاوه بر علوم دینی، فلسفه و پزشکی و تاریخ نیز تدریس می‌شد. گرچه از تعلیم برخی علوم چون شیمی نشان‌چندانی یافت نمی‌شود و اشتغال کسانی چون جابر بن حیان و دیگران به این علم بیش‌تر جنبه شخصی داشته است و یک نوع ذوق و علاقه شخصی در کار بوده است، اما با این وجود برخی دانشگاه‌های اسلامی با علوم طبیعی آشنایی داشتند، چنان‌چه ابن هیثم دانشمند مسلمان که در موضوع نورشناسی کشفیاتی داشته است در دانشگاه الازهر به کار تصنیف و تدریس سرگرم بوده است (همان، ۲۲۸).

## ۶. نتیجه‌گیری

جایگاه و اهمیت والای علم و دانش در دین اسلام موجب راه‌اندازی اولین نهاد علمی یعنی مسجد النبی در سال اول هجری گردید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله به‌عنوان اولین معلم این نهاد آموزشی، سعی وافری را در نهادینه کردن آموزش نمودند و شاگردان فراوانی را به جامعه اسلامی تحویل دادند. پس از ایشان صحابه و تابعین داعیه‌دار و مربی حوزه‌های علمی مساجد گشتند و با شکل دادن حلقات علمی، آموزش‌های لازم را به متعلمان می‌دادند. با گسترش حوزه جغرافیایی تمدن اسلامی و تقابل افکار و فرهنگ‌های بیگانه با فرهنگ اسلامی، گامی به سوی پیدایی رشته‌های علمی جدید در مساجد باز شد که خود موجب جنب و جوش بیش‌تر علمی مساجد و دانشگاه‌های اسلامی در سده‌های اولیه هجری گردید. مساجد بزرگی چون مسجد کوفه، بصره، الازهر و ...

هر روزه شاهد حضور علم‌آموزان و استادان میرزی در رشته‌های فقه، کلام، تفسیر، علوم طبیعی، نجوم، پزشکی بودند که مسجد را به‌عنوان بهترین مکان برای تبادلات علمی انتخاب کرده بودند. مساجد هم‌چنان با گسترش مدارس دولتی در سده چهارم و پنجم هجری پایدار و پیشرو در علوم تخصصی به شمار می‌آمدند؛ اما پس از آن به تدریج، با افزایش نهادهای علمی جدید چون مدارس و دارالعلم‌ها، بسیاری از وظایف علمی مساجد به این نهادهای جدید انتقال یافت.



## منابع:

- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله بن محمد (۱۳۶۱). **سفرنامه**. محمد علی موحد، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن جبیر، محمد بن احمد (۱۹۰۷). **الرحله**. بیروت: دار المکتبۃ الهلال.
- ابن عبدالبر القرطبی، ابی عمر یوسف (۱۴۱۵). **جامع بیان العلم و فضله**. بیروت: موسسه الکتب الثقافیه.
- احمدی طباطبایی، محمدرضا (۱۳۹۰). «جایگاه مساجد، مدارس و دانشگاه‌های کهن در تمدن اسلامی»، **رهیافت‌های انقلاب اسلامی**، شماره ۱۵، ص ۴۹-۶۶.
- بی نام (۱۳۸۷). «تاریخچه نظام آموزشی اسلامی»، **مجله پیام حوزه**، شماره ۲۲.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۳). **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**. قم: نشر معارف.
- حر، حسین (۱۳۹۴). «نقش مسجد در تکوین و رشد فرهنگ و تمدن اسلامی»، **معارف قرآن و عترت**، شماره ۱، ص ۲۷-۵۹.
- السباعی، محمد مکی (۱۳۷۳). **نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی**. ترجمه علی شکوئی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- شلبی، احمد (۱۳۸۷). **تاریخ آموزش در اسلام از آغاز تا فروپاشی ایوبیان در مصر**. ترجمه محمد حسین ساکت، تهران: نشر نگاه معاصر.
- عیسی بک، احمد (۱۳۷۱). **تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام**. ترجمه نورالله کسای، مؤسسه دانش و پژوهش ایران.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۳۰۶). **احیاء العلوم الدین**. قاهره.
- غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۸۸). **تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی**. ترجمه نورالله کسای، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قلقشندی، ابوالعباس احمد (۱۹۱۳). **صبح الاعشی فی صناعۃ الانشاء**. قاهره.
- کوخانی‌زاده، کریم (۱۳۸۶). «بررسی جایگاه مساجد در سیره پیامبر (ص)»، **کتاب فروغ مسجد**، انتشارات تقلین.
- گلشنی، مهدی (۱۳۸۸). **از علم سکولار تا علم دینی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). **بحار الانوار**. ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محرمی، غلام حسین (۱۳۸۷). «نقش مسجد در حیات علمی جامعه تا قرن چهارم هجری»، **نشریه مبلغان**، شماره ۱۱۰.
- محرمی، غلامحسین (۱۳۷۹). **نقش مساجد در جامعه اسلامی از آغاز تا عصر عباسیان**. قم: نشر یمین.